

آنچه خود داشت ز سگانه تمنا می کرد...

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۱، شاخه آماتوری انجمن نجوم ایران اولین کارگاه ملی نجوم آماتوری ایران را در تهران برگزار کرد. یکی از برنامه های جالب این کارگاه ارتباط مستقیم تلفنی بود که مایک سیمونز، مسوول انجمن نجوم رصدخانه مونت ویلسن با نام "جین" اپراتور رصدخانه مشهور و عظیم مونت پالومار برقرار کرد. ایشان با وجود اینکه کاشف چند صد نو اختر و چندین و چند دنباله دار است اما فاقد هرگونه تحصیلات رسمی و اکادمیک در زمینه نجوم و اختر فیزیک است و تنها عشق او به زیبایی آسمانه است که باعث می شود تا او با قبول تمام مشکلات موجود به راه زیبایی خود ادامه دهد. او در طی صحبت هایش به نکته ای اشاره کرد که احساسا می کنم نیازمند تامل بیشتری است:

"هر بار که از کنار تلسکوپ عظیم (۱۰ متری) رصدخانه می گذرم، تمام بدنم می لرزد و موهای تنم سیخ می شود. روزی که از کنار این تلسکوپ بگذرم و چنین احساسی را تجربه نکنم، می فهمم که به پایان خط رسیده ام و باید این رصدخانه را ترک کنم" این گفته او نشان دهنده درکی است که جین از نقش و جایگاه خود از یک سو و اهمیت نقش محیط کاری خود و ابزار مورد استفاده خود و همکاریش، از سوی دیگر دارد.

درک ارزش ابزار و استفاده بهینه از آن موضوعی است که اهمیت آن برکسی پوشیده نیست. این نکته در کشور ما ایران و در رشته مورد علاقه ما (نجوم) اهمیتی دو چندان دارد. در ایران علی رغم پیشینه عظیم و پرافتخاری که در زمینه علوم و به ویژه نجوم، از آن برخورداریم، متأسفانه در برهه ای از زمان به دلایل گوناگون که مجال بحث آن در این مختصر نیست، از قافله پرشتاب دانش و فناوری جهان عقب ماندیم و به همین دلیل امکانات موجود ما در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار اندک و تاسف آور است. تعداد رصدخانه های ایران اعم از آموزشی و پژوهشی به زحمت از تعداد انگشتان دو دست بالاتر می رود و در شهر مرفه و پر از امکانات! تهران برای هر ۳ میلیون نفر یک رصدخانه کوچک وجود دارد. (نگاه کنید به مجله نجوم، شماره ۱۰۱ و ۱۰۲، ص ۳۰ و شماره ۱۲۱، ص ۳۱). دوربینهای CCD که امروزه جزو وسایل عادی و دم دستی منجمان آماتور جهان است، هنوز برای ما وسیله ای لوکس و کمیاب به شمار می رود. برای تعریف ادامه این داستان غمبار به متنی هفتاد منی نیاز داریم که از آن می گذریم اما آنچه که نمی توانیم به راحتی از آن بگذریم آنجا است که می بینیم از همین امکانات موجود نیز به درستی بهره برداری نمی کنیم.

در شرایطی که تعداد تلسکوپهای با قطر بیش از "۱۲" در ایران شاید از عدد ده نیز کمتر باشد، بی استفاده ماندن چندین ساله تلسکوپ "۱۴ Celestron" رصدخانه کوچک دانشگاه ما، دردی از آزار دهنده است و هنگامی که می بینیم تعداد اندکی دوربین CCD در کشور موجود است و کسانی که بتوانند از آنها به درستی استفاده کنند بسیار اندک قبول کنید از بین رفتن CCD رصدخانه ما، بر اثر یک غفلت و یک اشتباه درد آور است و از آن درد آور تر آنکه یکی از بهترین متخصصان کار با CCD در ایران، در ساختمان مجاور رصدخانه به کار مشغول است و از تجربه او استفاده نمی شود. تنها مورد استفاده تلسکوپ "۸ Celestron" نمایش ماه و سیارات پر نور به بازدید کنندگان است و از سوی دیگر به دلیل عدم توانایی پیمانکاران در ساخت اصولی بدنه ساختمان رصدخانه، گنبد آن ماهها است که میان زمین و آسمان معلق مانده است و از همه اسف بار تر وضعیت نوری نامناسب محل آن است. رصدخانه ای که اگر امکاناتش درست مورد استفاده قرار گیرد می تواند در پروژه ای جدی مشارکت جوید، نه تنها این کار را نمی کند بلکه با قرار گرفتن در میان دریایی از نور پرزکتورهای سدیم صحن دانشگاه افق خود را تا ۴۰ درجه از دست داده است و این در حالیست که با صرف هزینه ای بسیار اندک و با اگذاری پروژه های دانشجویی می توان با ساخت درپوشهایی برای نور افکنهای دانشگاه، بدون آنکه از روشنایی محیط و سطح دانشگاه کاست تا ۴۰٪ از آلودگی نوری کاست. بگذریم که چنین پروژه ای دارای چه پتانسیل عظیم تبلیغاتی و اعتبار بین المللی برای دانشگاه است. امروز مقابله با آلودگی نوری، بدون صرف هزینه ای اضافی امکان پذیر است اما مطمئن باشید تا ۵ یا ۶ سال دیگر این امر اگر غیر ممکن نشده باشد نیازمند صرف هزینه ای کلان است و گذشته از آن به این موضوع فکر کنیم که عدم وجود شرایط مناسب برای کار چند نفر از استعدادهایی را که اگر عرصه برای آنها فراهم آید می توانند منشا فعالیت جدی شوند را دلسرد و گوشه گیری در حالت خوش بینانه فراری خواهد کرد. بیاور کنیم با همین امکانات اندک نیز می توان دست به کارهای بزرگ زد اگر اندکی بیاندیشیم که نسبت به این خاک وظیفه ای داریم. آنگاه است که دیگر تلسکوپهای رصدخانه را زیر باران رها نخواهیم کرد و آنگاه است که فرصتی را پدید می آوریم که علاقمندان از با تجربه ها بیاموزند و از ابزارها استفاده کنند و دانش خود را تکمیل کنند. در این برهوت امکانات عدم استفاده درست از وسایل گناهی جبران ناپذیر است. مسوولان رصدخانه می توانند به همکاری شهرداری، کمیته بهره وری دانشگاه، اساتید کار آزموده و آماتورهای با تجربه این مرکز را رونقی دوباره بخشند.

هنوز فرصت برای کار باقی است. رصدخانه ما می تواند با ساماندهی امکانات موجود و در مرحله اول و تجهیز خود در مرحله بعد در پروژه های علمی مشارکت کند و حداقل آنکه برای تهیه یک عکس ساده یا دیتاهای اولیه که مورد استفاده دانشجویان است نیازمند سایر دانشگاهها و مراکز نباشد. اگر "جین" با تمام افتخاراتش در مقابل تلسکوپ مونت پالومار بر خود می لرزد آیا ما نباید در برابر کفران نعمتی که داریم و از دست دادن فرصتهای خود و سوزاندن فرصتهای دیگران بر سر ایمان خویش لرزیم؟

هنوز فرصت هست اگر ...